

فعالیت‌های اتمی اسرائیل از سوی یک نهاد بین‌المللی اعمال شود. وی در ادامه شعر خود از اینکه این رژیم به خود اجازه می‌دهد از حمله تهاجمی به ایران سخن بگوید، انتقاد کرده و می‌گوید: این حمله که صرفاً براساس حدس و گمانه زنی، در دستور کار قرار گرفته می‌تواند ملتی را نابود کند.

او در این شعر، خود را برای سکوت در رابطه با سیاست‌های رژیم صهیونیستی تاکنون، و اینکه این کشور سال‌هاست یک برنامه اتمی محروم‌دارد، مورد سرزنش قرار داده و می‌گوید: چرا من تا الان، این همه مدت سکوت کرده‌ام.

همچنین شاعر آلمانی در شعر خود به این نکته اشاره کرده که بخاطر انتقاد نکردن از سیاست‌های غلط این رژیم در مورد برنامه هسته‌ای ایران دچار عذاب وجودان است و اینکه هرگونه انتقادی از رژیم صهیونیستی



گونتر گراس: من دیگر سکوت نمی‌کنم

م. سروش

به عنوان ضد سامی گری تلقی می‌شود که در آلمان برای آن مجازات قانونی تعیین شده است.

در بخش دیگری از شعر، به جنایات بی سابقه در آلمان در زمان حکومت نازی‌ها اشاره شده و اینکه مقامات فعلی این کشور با کمک‌های تسليحاتی به اسرائیل انتشار این قطعه شعر از «گونتر گراس» با واکنش‌های گروه‌های تندریوی یهودی از جمله شورای مرکزی یهودیان در آلمان همراه بوده و این گروه‌ها با انتشار بیانیه‌های مخالفت نظارت اسرائیل در حوزه هسته‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: به نظر می‌رسد اسرائیل بدون هیچ نظارت بین‌المللی فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد و به تازگی تجهیزات جدیدی را برای زیردریایی خود از آلمان خریداری کرده است.

جنجال بوسیر شعر تازه سرشناس‌ترین نویسنده آلمان ظرف یک روز چنان بالا گرفت که حتی دولت آلمان نیز مجبور شد گونتر گراس در رسانه‌های جهان اعلام کرد که یک کنترل مداوم و بدون مانع در مورد

سرزنش قرار می‌دهد که با دادن تجهیزات لازم و زیردریایی مخصوص حمل موشک‌ها و سلاح‌های هسته‌ای به اسرائیل، ناخودآگاه اسرائیل را برای مبارزه با ایران همراهی می‌کند و به نوعی خود را در جنایت‌های پیش روی اسرائیل شریک می‌کند.

انتشار این قطعه شعر از «گونتر گراس» با نظارت اسرائیل در حوزه هسته‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: به نظر می‌رسد اسرائیل بدون هیچ نظارت بین‌المللی فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد و به تازگی تجهیزات جدیدی را برای زیردریایی خود از آلمان خریداری کرده است. این شاعر در عین حال آلمان را نیز مورد

روز چهارشنبه ۴ اوریل (۶ فروردین) انتشار تازه‌ترین شعر گونتر گراس نویسنده سرشناس آلمانی و برنده نوبل ادبیات در رسانه‌های آلمان جنجالی کم سابقه آفرید. این شعر همزمان در نیویورک تایمز، لا ریوبلیکا و زوددوبچه تسایتونگ به چاپ رسید.

«گونتر گراس» در بخشی از شعر خود با عنوان «آنچه باید گفت» به فعالیت‌های بدون نظارت اسرائیل در حوزه هسته‌ای اشاره می‌کند و می‌گوید: به نظر می‌رسد اسرائیل بدون هیچ نظارت بین‌المللی فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد و به تازگی تجهیزات جدیدی را برای زیردریایی خود از آلمان خریداری کرده است.

همه خاموشند، حقیقتی را ناگفته می‌گذارند، من نیز به پیروی از این سکوت فraigیر لب فرو بسته‌ام، احساس می‌کنم این دروغی است سنگین که بر من تحمیل شده است، هر آن که از این اجبار تخطی شود، با کیفر مجازات روپرتو می‌شوم. بله، همه با داغ «یهودی ستیزی» آشنا هستند.

اما این زمان از سرزمین من، خاستگاه جنایتی بی‌مانند، که همیشه باید پاسخگوی آن باشد، قرار است باز هم زیردریایی دیگری به اسرائیل فرستاده شود، همراه با سخنانی سرسری به مكافات بدی‌های گذشته. هنر آن زیردریایی این است که می‌تواند با کلاهک‌های دقیق خود همه چیز را در سرزمینی نابود کند که در آن وجود یک بمب اتمی هرگز به اثبات نرسیده است، پس اینک می‌گوییم آنچه باید گفت.

ولی چرا تا کنون سکوت کرده بودم؟ چون فکرمی کردم زاده سرزمینی هستم که لکه‌ای نازدودنی بر دامن دارد و همین بود که مرا از گفتن حقیقت باز می‌داشت و نمی‌خواستم نام اسرائیل را بر زبان برانم که خود را با آن همبسته می‌دانم و به آن وفادار خواهم ماند. پس چرا حالا، پیرانه سر و با آخرين قطرهای جوهر قلم می‌نویسم: اسرائیل اتمی برای صلح جهانی، که خود صلحی است شکنند، خطرناک است.

امروز باید گفت آنچه را که فردا گفتنش دیر است و چون ما — به عنوان آلمانی به حد کافی بار بر دوش داریم — می‌توانیم تحويل دهنده وسیله‌ای گردیم که عواقب آن قابل پیش‌بینی است و نباید با عذر و بهانه در بار این گناه شرکت کیم. اعتراف می‌کنم من: دیگر ساکت نخواهم ماند زیرا تزویر و سالوس غرب دیگر برایم قابل تحمل نیست، و این امید را نیز در دل دارم که بسیاری دیگر زندان سکوت را بشکند و از این کانون خوف و خطر بخواهند که از خشونت چشم بپوشد و همه مُصرانه از او بخواهند به مرجعی بین‌المللی امکان داده شود تا پیوسته و بدون قید و شرط قدرت اتمی اسرائیل و تاسیسات اتمی ایران زیر نظارت قرار گیرند. تنها این گونه است که می‌توان به همه کمک کرد، به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و بیش از آن به همه کسانی که در عین دشمنی کنار هم زندگی می‌کنند در منطقه‌ای که به تسخیر جنون در آمده است. و بدانیم که این سان به خود نیز کمک کرده‌ایم.

هنر وجود دارد و خوشبختانه این آزادی هم برای دولت وجود دارد که مجبور نباشد درباره هر خلاقيت هنری نظر بدهد.» اما دولت اسرائیل در واکنش به اين نوشته، گونتر گراس را از حق سفر به اسرائیل محروم ساخت و او را عنصری نامطلوب خواند. اقدام دولت اسرائیل عليه گراس و اظهارات مقام‌های اين کشور عليه وى نیز واکنش‌های انتقادآمیز بسیاری را برانگیخت.

گراس در واکنش به ممنوع الورود بودن خود به اسرائیل در يادداشتی که با عنوان «اکنون همانند آن زمان» در نشریه «زود دویچه سایتونگ» منتشر کرد، نوشت که لحن این تصمیم او را به یاد احکامی می‌اندازد که رئیس سرویس مخفی آلمان شرقی صادر می‌کرد. حق ورود به خاک آلمان شرقی نیز تا مدت زیادی از گراس سلب شده بود. گونتر گراس که به زودی ۸۵ ساله می‌شود، با این که به «حزب سوسیال دموکرات آلمان» گرایش دارد، همواره بدون توجه به ملاحظات حزبی و سیاسی، با جسارت دیدگاه خود را بیان کرده است. وی در بسیاری از آثار خود، اختناق و وحشت رژیم نازی و سیاست نابودی یهودیان (هولوکاست) را بسیار مؤثر ترسیم کرده است. از «گونتر گراس» تا امروز آثار متعددی همچون «طبی حلبي»، «سال‌های سگی»، «از دفتر خاطرات یک حلوون»، «مجموعه اشعار» و «ماده موش» منتشر شده است.

در اینجا شعر جنجالی گونتر گراس را که رضا نافعی ترجمه کرده است، و در بسیاری از رسانه‌های اینترنتی از جمله بی‌بی‌سی لندن، منتشر شده است، می‌خوانید.

چرا خاموشم؟ چرا زمانی دراز ناگفته گذاشتم چیزی را که عیان است؟ و چرا سخن نکفتم از «بازی جنگ» که طبق نقشه آن را تمرین کرده‌اند؟ از آن بازی که اگر در پایان آن جانی به در برده باشیم، چیزی نیستیم جز یاداشتی در حاشیه. ادعا می‌شود که زدن ضربه اول به مردم ایران و چه بسا محو کردن آنها از صحنه کیتی حق است، زیرا گمان می‌رود در قلمرو مردی گزافه‌گو که خلقی اسیر در یوغ خود را به هلله‌های اجباری وا داشته، یک بمب اتمی ساخته می‌شود. ولی چرا به خود اجازه نمی‌دهم نام آن کشور دیگر را بر زبان آورم؟ کشوری که سال هاست قدرت اتمی فزاينده‌ای در اختیار دارد — هرچند پنهان از نظرها — ولی بیرون از عرصه نظارت، چرا؟ چون بازرسی ممکن نیست؟